

پرسشنامه واکنش روانی

مقدمه

مفهوم آزادی در روان‌شناسی اجتماعی به معنای کنترل و انتخاب فردی است. برخورداری از انتخاب آزاد بسیار ارزشمند و سلب آن پیش‌بین رفتار در حوزه‌های گوناگونی نظیر مصرف^۱ (کلی و ویکلاند، ۱۹۸۰)، سلامت (سیبل و داود، ۱۹۹۹؛ اربل و هاگر، ۲۰۰۶) یا رفتار کمک‌رسانی است (کریشنان و کارمنت، ۱۹۷۹). نظریه واکنش به‌ویژه بر اهمیت آزادی‌های «خاص» فردی تأکید می‌کند و بر شرایطی تمرکز می‌نماید که تحت آن افراد در مقابل تهدیدات آزادی واکنش نشان می‌دهند (جوناس و همکاران، ۲۰۰۹).

تهدید ناشی از هر نوع قدرت یا نیرویی است که می‌کوشد بروز آزادی عمل خاصی را محدود یا دفع کند (برم و برم، ۱۹۸۱). تهدیدها می‌توانند آشکارا یا تلویحی باشند (مثلاً، اشارات ضمنی ظریف). برم و برم (۱۹۸۱) تهدید آزادی عمل را با عنوان تهدید بیرونی و درونی توصیف می‌کنند. تهدیدهای بیرونی از تصمیماتی ناشی می‌شوند که با انتخاب کردن یا نکردن گزینه‌های پیش رو اتخاذ می‌کنیم. بنابراین، واکنش روانی تحت تأثیر دو پدیده تهدید و آزادی عمل است. این نظریه فرض مسلم می‌داند که چند عامل بر اندازه واکنش روانی تأثیر می‌گذارند. این عوامل عبارت‌اند از: نیرویی که آزادی عمل فرد را تهدید می‌کند، وجود آزادی عملی که ناشی از وقفه در رفتارهای آزادانه یا موانعی است که از بروز آنها جلوگیری می‌کند، اهمیت اختیار در فهم نیازها و حد و اندازه نیازهایی که برای موجودیت بشر از اهمیت برخوردارند (کورکوران، کروسیوز و موسویلر، ۲۰۱۱، ترجمه خلیلی، ۱۳۹۲، ص. ۳).

واکنش روانی^۲ حالت انگیزشی است که در پاسخ به آزادی رفتاری اذیت‌رفته یا مورد تهدید قرار گرفته برانگیخته می‌شود و آن را احیاء می‌کند (برم، ۱۹۶۶؛ جوناسون و ناولز، ۲۰۰۶). نظریه واکنش روانی معتقد است که هر پیام متقاعدکننده‌ای احتمالاً به‌عنوان یک تهدید برای آزادی تلقی شده و واکنش روانی را برمی‌انگیزد (شن و دیلارد، ۲۰۰۵). واکنش روانی در ابتدا به‌عنوان یک موقعیت خاص در نظر گرفته می‌شد (برم، ۱۹۶۶؛ ویکلاند، ۱۹۷۴) و اکثر پژوهش‌ها در خصوص واکنش روانی به بررسی واکنش‌های موقعیتی نظیر محدودیت‌های انتخاب، انتخاب اجباری و موقعیت‌های نفوذ اجتماعی می‌پرداختند (بورگون، آلوارو، گرن‌دپر و وولوداکیس، ۲۰۰۲). به هر جهت، برم و برم (۱۹۸۱)

1- Consumption

2- Psychological reactance

معتقد بودند که واکنش می‌تواند به‌عنوان یک «صفت»^۱ نیز مفهوم‌سازی شود. واکنش به‌عنوان یک صفت با متغیرهای فردی گوناگونی نظیر خشم (هانگ و گیاناکوپولوس، ۱۹۹۳؛ هانگ و فادا، ۱۹۹۶)، افسردگی (هانگ و گیاناکوپولوس، ۱۹۹۳؛ هانگ و فادا، ۱۹۹۶)، پرخاشگری (داود و والبراون، ۱۹۹۳) شادکامی (جوبرت، ۱۹۹۰)، همرنگی (گلداسمیت، کلارک و لافرتی، ۲۰۰۵) و مقیاس‌های شخصیت گوناگون (ببولتز، والر و پیر، ۱۹۹۹؛ داود و والبراون، ۱۹۹۳؛ داود، والبراون، ساندرز و یسنوفسکی، ۱۹۹۴) در ارتباط است.

نظریه واکنش روانی می‌کوشد توضیحی برای واکنش افراد به تهدیدهای واقعی یا خیالی نسبت به از دست دادن آزادی و اختیار خود بیابد. مفهوم اختیار تحت عنوان «باور فرد به توانایی انجام رفتاری خاص» تعریف شده است (کورکوران، کروسوز و موسویلر، ۲۰۱۱، ترجمه خلیلی، ۱۳۹۲، ص ۲). همان‌طور که میران و برم (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند واکنش روانی یک نیروی از پیش فعال شده نیست، بلکه هنگام تهدیدات واقعی یا خیالی از دست دادن آزادی عمل فعال می‌شود. نظریه واکنش دارای چهار جزء اساسی است: آزادی، تهدید آزادی، واکنش و احیاء آزادی.

برم (۱۹۶۶) چند فرضیه را درباره رفتار انسان مطرح می‌کند: آزادی عمل امری فراگیر است، آزادی عمل وجه مهمی از زندگی و تعاملات انسان است، انسان هدفمند است و دائماً درباره خود و دنیای بیرون از خود تعمق می‌کند تا ببیند چرا، چگونه و چه زمانی رفتاری خاص را در پیش گیرد. اما به‌عنوان چهارمین فرضیه برم معتقد است که بشر بیشتر اوقات در انجام طیفی از رفتارها احساس آزادی نسبی می‌کند و فرض پنجم حاکی از آن است که برخی رفتارهای انسان می‌توانند مربوط به گذشته، حال و آینده باشند. برم این دست رفتارها را با عنوان «رفتارهای آزادانه» می‌نامد و برای آنها تعدادی معیار تعیین می‌کند. این معیارها شامل رفتارهایی می‌شود که دسترس‌پذیر باشند، فرد ظرفیت جسمانی و روانی به کار گرفتن آنها را داشته باشد و نسبت به انجام آن رفتارها شناخت کامل داشته باشد. چنین شناختی از هنجارهای اجتماعی، سنت‌ها، قوانین، توافقات رسمی و تعاملات غیررسمی ناشی می‌شود. ورچل (۲۰۰۴) به تفصیل شرح می‌دهد که چگونه رفتارها در طول زمان به‌عنوان رفتارهای آزادانه تلقی می‌شوند. برای اینکه واکنش روانی رخ دهد فرد باید به داشتن آزادی عمل (واقعی یا خیالی) باور داشته باشد. تهدید این آزادی موجب برانگیختگی واکنش روانی می‌شود (میران و برم، ۲۰۰۶).

به‌منظور ارزیابی دقیق واکنش روانی ابزاری با ویژگی‌های روان‌سنجی کامل و بی‌و عیب و نقص مورد نیاز بود. از این رو، پژوهشگران به طراحی و تدوین سه ابزار برای اندازه‌گیری واکنش روانی پرداختند: پرسشنامه اندازه‌گیری واکنش روانی^۲ (QMPR؛ مرز، ۱۹۸۳؛ به نقل از تاکر و بیرز، ۱۹۸۷)، مقیاس واکنش درمانی^۳ (TRS؛ داود، میلنه و وایس، ۱۹۹۱) و مقیاس واکنش روانی هانگ (HPRS؛

1- Trait

2- Questionnaire for Measurement of Psychological Reactance (QMPR)

3- Therapeutic Reactance Scale (TRS)

هانگ و پیچ، ۱۹۸۹). پرسشنامه اندازه‌گیری واکنش روانی (QMPR) در چند مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج کلیه این مطالعات حاکی از آن بود که مقیاس فوق از پایایی لازم برخوردار نبوده و قابل استفاده نیست (دائل، توماس و بوبولتز، ۲۰۰۱؛ هانگ و آستینی، ۱۹۸۹؛ تاکر و بیرز، ۱۹۸۷). بنابراین، TRS برای افراد تحت درمان طراحی شد و تنها در دو مطالعه مورد بررسی قرار گرفت (داود و همکاران، ۱۹۹۱؛ بوبولتز، توماس و دائل، ۲۰۰۲). در نهایت، HPRS برای استفاده در جمعیت‌های عمومی طراحی شد و ویژگی‌های روان‌سنجی آن در مطالعات متعددی مورد بررسی قرار گرفت (دیلاارد و شن، ۲۰۰۵؛ هلمن و مک‌میلین، ۱۹۹۷؛ هانگ، ۱۹۹۰؛ هانگ و گیاناکوپولوس، ۱۹۹۳؛ هانگ، گیاناکوپولوس، لاینگ و ویلیامز، ۲۰۰۱؛ هانگ و لانگوفسکی، ۱۹۹۴؛ جوهرت، ۱۹۹۰؛ جوهرت، ۱۹۹۲).

هانگ و پیچ (۱۹۸۹) در اولین مطالعه با اجرای HPRS بر روی ۲۵۷ دانشجوی دانشگاه در استرالیا و با استفاده از تحلیل مؤلفه اصلی^۱ (PC) دریافتند که مقیاس متشکل از چهار مؤلفه تحت عنوان «آزادی انتخاب»^۲، «واکنش هم‌رنگی»^۳، «آزادی رفتاری»^۴ و «واکنش در برابر نصیحت و توصیه»^۵ است. همچنین، همسانی درونی کل گویه‌ها برابر با ۰/۷۷ محاسبه شد.

هانگ (۱۹۹۲) به بررسی ساختار HPRS در ۶۲ آزمودنی غیر دانشجوی پرداخت. او نیز در پژوهش خود با استفاده از روش تحلیل مؤلفه اصلی به همان‌چهار مؤلفه دست یافت، اما در سه گویه ۷، ۱۰ و ۱۱ تغییر عاملی حاصل شد؛ مثلاً گویه ۱۰ در پژوهش هانگ و پیچ بر روی مؤلفه آزادی انتخاب و در پژوهش هانگ (۱۹۹۲) بر روی مؤلفه واکنش در برابر نصیحت و توصیه دارای بار عاملی بود که این مسئله حاکی از عدم ثبات ساختار مقیاس بود. هانگ (۱۹۹۲) پایایی مقیاس را با استفاده از آلفای کرون‌باخ و دومینه کردن به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۶ گزارش کرد.

هانگ و فادا (۱۹۹۶) مقیاس را روی جمعیت وسیعی متشکل از ۱۴۲۵ دانشجوی دانشگاه و ۱۶۶۰ آزمودنی غیر دانشجوی در استرالیا اجرا کردند. آنها در پژوهش خود از تحلیل مؤلفه اصلی و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردند. نتایج حاکی از چهار عامل تحت عنوان «واکنش در برابر تسلیم»^۶، «مقاومت در برابر نفوذ دیگران»^۷، «واکنش در برابر نصیحت و توصیه»^۸ و «پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب»^۹ بود. واکنش در برابر تسلیم اشاره به موقعیتی دارد که فرد بار قوانین و مقررات یا خواسته‌های دیگران را تحمل می‌کند. مقاومت در برابر نفوذ دیگران هنگامی روی می‌دهد که به نظر

1- Principle components analysis

2- Freedom from choice

3- Conformity reactance

4- Behavioral freedom

5- Reactance to advice and recommendations

6- Reactance to compliance

7- Resisting influence from others

8- Reactance toward advice and recommendations

9- Emotional response toward restricted choice

می‌رسد دیگران درصدد کنترل کردن رفتار فرد هستند. واکنش در برابر نصیحت و توصیه تمایل به تجربه کردن واکنش در برابر نصیحت و توصیه ارائه شده توسط دیگران درباره آن چیزی است که فرد باید انجام دهد و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب هنگامی رخ می‌دهد که فرد در انتخاب کردن بدون دخالت دیگران ناتوان است (براون، فینی و فرانس، ۲۰۱۰). به‌علاوه، هانگ و فادا (۱۹۹۶) دریافتند که سه گویه (۴، ۱۰ و ۱۴) بار عاملی مناسبی ندارند و آنها را حذف کردند و نسخه ۱۱ گویه‌ای حاصل شد. جالب آنکه پس از حذف این سه گویه و با انجام مجدد تحلیل مؤلفه اصلی بر روی نسخه ۱۱ گویه‌ای همان گویه‌ها روی همانچهار مؤلفه دارای بار عاملی بودند و تغییر گویه حاصل نشد. همبستگی میان چهار عامل از ۰/۲۱ تا ۰/۴۴ بود. پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه ۱۴ گویه‌ای و ۱۱ گویه‌ای به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۷۷ گزارش شد.

توماس، دائل و بوبولتز (۲۰۰۱) هر دو نسخه ۱۱ و ۱۴ گویه‌ای را بر روی دو نمونه ۵۳۹ و ۹۰۵ نفری از دانشجویان آمریکایی اجرا کردند. نتایج نشان داد که همبستگی عاملی در مقیاس ۱۱ گویه‌ای از ۰/۲۹ تا ۰/۷۲ و در مقیاس ۱۴ گویه‌ای از ۰/۳۰ تا ۰/۸۱ متغیر است. پایایی خرده‌مقیاس‌ها نیز از ۰/۴۸ تا ۰/۶۴ در مقیاس ۱۱ گویه‌ای و از ۰/۴۸ تا ۰/۶۳ در مقیاس ۱۴ گویه‌ای در نوسان بود.

شن و دیلارد (۲۰۰۵) نسخه‌های ۱۱ و ۱۴ گویه‌ای را بر روی سه نمونه از دانشجویان آمریکایی اجرا کردند: دو نمونه اول (۱۸۸ و ۲۰۰ نفر) نسخه ۱۴ گویه‌ای را تکمیل کردند و نمونه سوم (۲۳۳ نفر) به نسخه ۱۱ گویه‌ای پاسخ دادند. آنها دریافتند که هر دو نسخه متشکل از چهار خرده‌مقیاس هستند و همبستگی عاملی از ۰/۴۵ تا ۰/۷۶ در نوسان بود. به‌علاوه، پایایی نمره کلی مقیاس در سه نمونه به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۸۰ و ۰/۷۹ بود.

براون، فینی و فرانس (۲۰۱۰) با اجرای نسخه ۱۴ گویه‌ای مقیاس بر روی ۱۲۸۶ دانشجوی سال اول در آمریکا و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی دریافتند که مدل چهار عاملی از برآزش خوبی برخوردار است ($CFI=0/95$ ، $RMSEA=0/06$ و $RMR=0/08$) و همبستگی عاملی از ۰/۴۸ تا ۰/۸۱ متغیر بود.

با توجه به مطالعات انجام شده در دنیا و نظر به اینکه تاکنون در ایران مقیاسی علمی جهت تعیین واکنش روانی ساخته و هنجاریابی نشده است، مسئله اصلی این پژوهش بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس واکنش روانی هانگ و فادا (۱۹۹۶) در جامعه ایرانی می‌باشد.

روش تهیه

پرسشنامه واکنش روانی توسط هانگ و فادا (۱۹۹۶) طراحی شده و مشتمل بر ۱۴ گویه و چهار خرده-مقیاس واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه و

پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب می‌باشد. این پرسشنامه در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) ابتدا به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و بر روی ۴۷۰ زن و مرد شهر تهران اجرا شد.

نمره‌گذاری

این پرسشنامه که از نوع مداد - کاغذی و خودگزارش‌دهی است، مشتمل بر ۱۴ گویه می‌باشد. گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۱۴ خرده‌مقیاس واکنش در برابر تسلیم، گویه‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ خرده‌مقیاس مقاومت در برابر نفوذ دیگران، گویه‌های ۵، ۹ خرده‌مقیاس واکنش در برابر نصیحت و توصیه و گویه‌های ۴، ۶، ۷، ۸ خرده‌مقیاس پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب را اندازه می‌گیرند. گویه‌ها در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین، حداقل و حداکثر نمره برابر با ۱۴ و ۷۰ خواهد بود.

پایایی و روایی

در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرون‌باخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است. همچنین، نتایج پژوهش جهت تعیین روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان حاکی از روایی محتوایی پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی تأییدی (شاخص‌های مجذور خی / درجه آزادی $\chi^2/df = ۱/۳۴$ ، شاخص نیکویی برازش $GFI^1 = ۰/۹$ ، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده $AGFI^2 = ۰/۸۶$ ، شاخص برازش تطبیقی $CFI^3 = ۰/۹۳$ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA^4 = ۰/۰۵$) نشان‌دهنده برازش خوب مدل در تعیین عامل‌ها به شکل اولیه بیان شده توسط هانگ و فادا (۱۹۹۶) بود. به علاوه، یافته‌های مربوط به هنجارسازی نشان داد که میانه نمرات واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب در آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب برابر با ۱۳/۵، ۱۰، ۶ و ۱۰ می‌باشد.

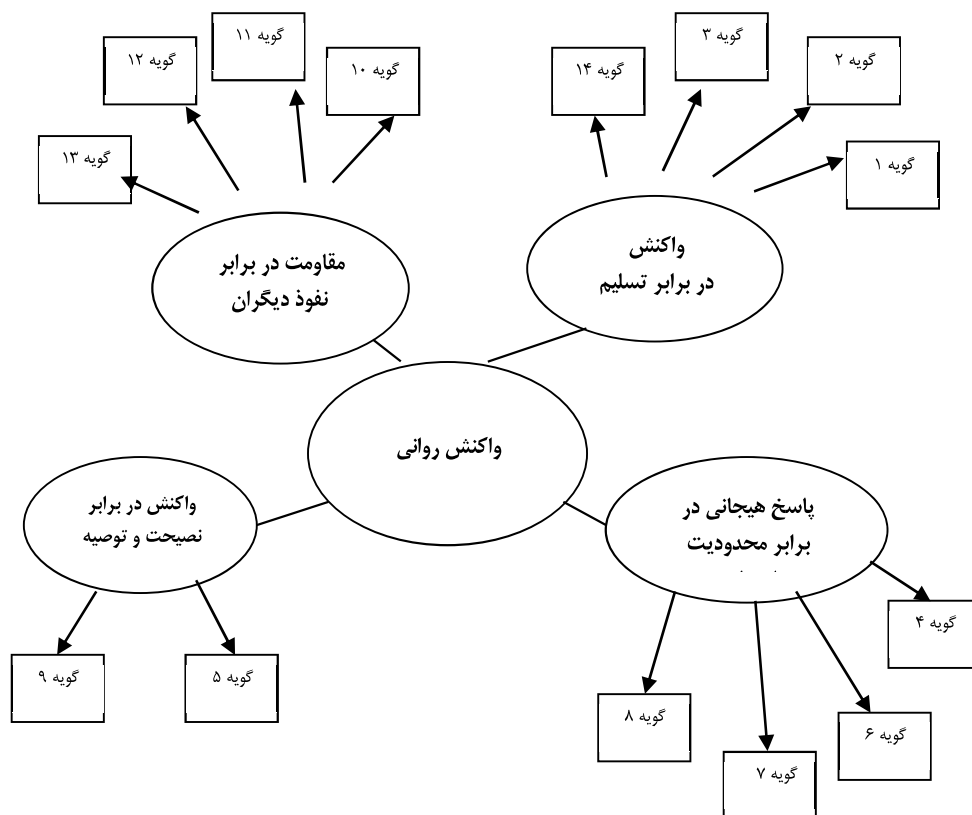
1- Goodness of Fit Index

2- Adjusted Goodness of Fit Index

3- Comparative Fit Index

4- Root Mean Square Error of Approximation

ساختار عاملی



نمونه پرسشنامه

پاسخ‌دهنده عزیز:

عبارات زیر درباره نگرش‌های کلی شما مطرح شده‌اند. هر عبارت را بخوانید و مشخص کنید که چه قدر با آنها موافق یا مخالف هستید. برای هر گویه پنج گزینه ممکن وجود دارد. لطفاً گزینه‌ای را که بیانگر احساس شما می‌باشد علامت بزنید. انتخاب پاسخ برای شما بین گزینه‌های (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) می‌باشد. لطفاً برای هر گویه فقط یک گزینه را انتخاب کنید.

ردیف	تاریخ	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف
۱	قوانین و مقررات حس مقاومت کردن را در من برمی‌انگیزند.					
۲	من با آنچه برای دیگران تحریک‌کننده است مخالفت می‌کنم.					
۳	معمولاً فکر می‌کنم آنچه که ممنوع می‌شود دقیقاً همان چیزی است که می‌خواهم انجام دهم.					
۴	فکر کردن به وابستگی به دیگران مرا عصبی می‌کند.					
۵	نصیحت شدن از جانب دیگران برای من نوعی دخالت تلقی می‌شود.					
۶	زمانی که نمی‌توانم آزادانه و مستقل تصمیم بگیرم، احساس ناکامی می‌کنم.					
۷	هنگامی که کسی به چیزهایی اشاره می‌کند که برای من کاملاً مشخص است، خشمگین می‌شوم.					
۸	زمانی که آزادی انتخاب من محدود شود، عصبانی می‌شوم.					
۹	نصیحت و توصیه معمولاً مرا وادار می‌کند که خلاف آن عمل کنم.					
۱۰	تنها هنگامی راضی و خشنودم که به میل و اراده شخصی خود عمل می‌کنم.					
۱۱	در برابر تلاش دیگران برای نفوذ کردن در خود مقاومت می‌کنم.					
۱۲	هنگامی که فرد دیگری به‌عنوان الگوی نقشی معرفی می‌شود که باید از آن تبعیت کنم عصبانی می‌شوم.					
۱۳	هنگامی که کسی مرا به انجام کاری مجبور می‌کند، احساس می‌کنم دوست دارم خلاف آن را انجام دهم.					
۱۴	تسلیم شدن دیگران در برابر معیارها و قوانین جامعه مرا ناامید می‌کند.					

منابع

- صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۴). بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس واکنش روانی در جمعیت ایرانی. طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور.
- کورکوران، کیتجا، کروسیز، جان و موسویلر، توماس. (۲۰۱۱). نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه زهره خلیلی. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات ارجمند.
- Brehm, J.W. (1966). *A Theory of psychological reactance*. New York: Academic Press.
- Brehm, J.W., & Brehm, S.S. (1981). *Psychological reactance: A theory of freedom and control*. New York: Academic Press.
- Brown, A.R., Finney, S.J., & France, M.K. (2010). Using the bifactor model to assess the dimensionality of the Hong psychological reactance scale. *Educational and Psychological Measurement*, 24, 345-356.

- Buboltz, W.C., Thomas, A., & Donnell, A.J. (2002). Evaluating the factor structure and internal consistency reliability of the therapeutic reactance scale. *Journal of Counseling and Development*, 80, 120-125.
- Buboltz, W.C., Woller, K.M., & Pepper, H. (1999). Holland code type and psychological reactance. *Journal of Career Assessment*, 7, 172-191
- Burgoon, M., Alvaro, E., Grandpre, J., & Voulodakis, M. (2002). Revisiting the theory of psychological reactance: Communicating threats to attitudinal freedom. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Clee, M.A., & Wicklund, R.A. (1980). Consumer behavior and psychological reactance. *The Journal of Consumer Research*, 6, 389-405.
- Donnell, A.J., Thomas, A., & Buboltz, W.C. (2001). Psychological reactance: Factor structure and internal consistency of the questionnaire for the measurement of psychological reactance. *Journal of Social Psychology*, 141, 679-687.
- Dowd, E.T., Milne, C.R., & Wise, S.L. (1991). The therapeutic reactance scale: A measure of psychological reactance. *Journal of Counseling and Development*, 69, 541-545.
- Dowd, E.T., & Wallbrown, F. (1993). Motivational components of client reactance. *Journal of Counseling and Development*, 71, 533-539.
- Dowd, E.T., Wallbrown, F., Sanders, D., & Yesenosky, J. M. (1994). Psychological reactance and its relationship to normal personality variables. *Cognitive Therapy and Research*, 18, 1573-2819.
- Goldsmith, R.E., Clark, R.A., & Lafferty, B. (2005). Tendency to conform: A new measure and its relationship to reluctance. *Psychological Reports*, 96, 591-600.
- Hellman, C.M., & McMillin, W.L. (1997). The relationship between psychological reactance and self-esteem. *The Journal of Social Psychology*, 137, 135-139.
- Hong, S.M. (1990). Effects of sex and church attendance on psychological reactance. *Psychological Reports*, 66, 494-498.
- Hong, S.M. (1992). Hong's psychological reactance scale: A further factor analytic validation. *Psychological Reports*, 70, 512-514.
- Hong, S.M., & Faedda, S. (1996). Refinement of the Hong psychological reactance scale. *Educational and Psychological Measurement*, 56, 173-182.
- Hong, S.M., & Giannakopoulos, E. (1993). The relationship of satisfaction with life to personality characteristics. *Journal of Psychology*, 128, 547-552.
- Hong, S.M., Giannakopoulos, E., Laing, D., & Williams, N.A. (2001). Psychological reactance: Effects of age and gender. *Journal of Social Psychology*, 134, 223-552.
- Hong, S.M., & Langovski, N. (1994). Sex differences in psychological reactance amongst Korean residents in Australia. *Psychological Reports*, 75, 578-582.
- Hong, S.M., & Ostini, R. (1989). Further evaluation of Merz's psychological reactance scale. *Psychological Reports*, 64, 707-715.
- Hong, S.M., & Page, S. (1989). A psychological reactance scale: development, factor structure and reliability. *Psychological Reports*, 64, 1323-1326.
- Jonas, E., Graupmann, V., Kayser, D.N., Zanna, M., Traut-Mattausch, E., & Frey, D. (2009). Culture, self and the emergence of reactance: Is there a "universal" freedom? *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 1-15.

- Jonason, P.K., & Knowles, H.M. (2006). A uni-dimensional measure of Hong's psychological reactance scale. *Psychological Reports*, 98, 569-579.
- Joubert, C.E. (1990). Relationship among self-esteem, psychological reactance, and other personality variables. *Psychological Reports*, 66, 1147-1151.
- Joubert, C.E. (1992). Antecedents of narcissism and psychological reactance as indicated by college students' retrospective reports of their parents' behavior. *Psychological Reports*, 70, 1111-1115.
- Krishnan, L., & Carment, D.W. (1979). Reactions to help: Reciprocity, responsibility and reactance. *European Journal of Social Psychology*, 9, 435-439.
- Miron, A.M., & Brehm, J.W. (2006). Reactance theory-40 years later. *Zeitschrift für Sozialpsychologie*, 37, 9-18.
- Orbell, S., & Hagger, M. (2006). "When no means no": Can reactance augment the theory of planned behavior? *Health Psychology*, 5, 586-594.
- Shen, L., & Dillard, J.P. (2005). Psychometric properties of the Hong psychological reactance scale. *Journal of Personality Assessment*, 85, 74-81.
- Seibel, C.A., & Dowd, E.T. (1999). Reactance and therapeutic noncompliance. *Cognitive Therapy and Research*, 4, 373-379.
- Thomas, A., Donnell, A., & Buboltz, W.C. (2001). The Hong psychological reactance scale: A confirmatory factor analysis. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 34, 2-13.
- Tucker, R.K., & Byers, P.Y. (1987). Factorial validity of Merz's psychological reactance scale. *Psychological Reports*, 61, 811-820.
- Wicklund, R.A. (1974). *Freedom and reactance*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Worchel, S. (2004). *The diamond in the stone: Exploring the place of free behavior in studies of human rights and culture*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.